



فصلنامه حقوقی



دوره ۸ - شماره ۲۴ - تابستان ۱۴۰۴

- رابطه خریدار و فروشنده در قرارداد پایه در اعتبار اسنادی با تاکید بر حقوق ایران
همایون مافی، رضا احسانی، احمدرضا امیری لاریجانی
بررسی تطبیقی جایگاه حفاظت از محیط زیست در حقوق بین الملل بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه
سیدفضل الله موسوی، امیرحسین عسگری
عدالت کودک محور و مسئولیت دولت: پیشگیری، اصلاح و بازپروری کودکان ناقض قوانین کیفری
محمد روشن، سمیه رنگین کمان، سیدمصطفی حسینی دستجردی
واکاوی چالش‌ها و الزامات حقوقی هوش مصنوعی در محیط‌های کاری: بررسی تأثیرات و راهکارهای اصلاحی
مریم برومند بازکیاگورابی، امیررضا محمودی
جامعه الگوریتمی و انطباق حقوقی: بازاندیشی در حقوق، حکمرانی و عدالت اجتماعی
خدیجه کریمی اصفهانی، مجاهد امیری
صدور اسناد هویتی در مورد اطفال متولد شده از روابط نامشروع و آثار آن در حقوق ایران
مرضیه کاظمی، مصطفی کافی
مسئولیت نقصان یافته در نظام کیفری ایران و انگلستان
ایرج مروتی، نفیسه عراقی، ماندانا جنگلی
نظارت بر رسانه با رویکرد فقهی و حقوقی
نرگس ابوالمعصومی
درآمدی بر جرایم مرتبط با رمزارزها؛ از تسهیلگری تا پیشگیری
محبوبه طالبی رستمی
اهمیت تفسیر قرارداد در حقوق مدنی ایران
نازنین بهرامی، مهناز سجادیان، حمیدرضا کناری زاده
تأثیر مداخلات امنیت گرایانه و عوام گرایانه سیاست جنایی بر شکل دهی گفتمان جرم شناختی نئوکلاسیک نوین
مسعود اکبری
مطالعه تطبیقی دارایی تجاری در حقوق ایران و فرانسه
سعید جوهر
بازدارندگی تبعید و نفی بلد در عصر ارتباطات
مهسا محمودی
جلوه های حقوق معنوی زندانیان در اسناد داخلی و بین المللی
امین رضا بهار فلاصری
مطالعه تطبیقی کاربرد اصول دادرسی مدنی در دادرسی کیفری با تأکید بر سازوکار ارجاع
علی اصغر عسگری
جرایم علیه اراضی دولتی (مطالعه مروری)
وحید کیومرثی
زیاله‌های قضایی در حقوق بین‌الملل: چالش‌های نظارتی و راهکارهای حقوقی
مهدی قره داغی
توهین به مقدسات در حقوق کیفری ایران، فقه امامیه و فقه اهل تسنن
داود سلمانپور، یعقوب طاهری، حسین زارعی
مسئولیت بین‌المللی کشورها در مبارزه با دوپینگ: تحلیل حقوقی و چالش‌های اجرایی
سپیده احمدیان فرد
سیاست کیفری در قبال جرائم نظامی در حقوق کیفری ایران و ایالات متحده آمریکا
امیرحسین ابوالحسنی، حامد زرین جوی الوار، محمدعلی جهانی
قواعد حاکم بر بازار مالی غیرمتشکل پولی در نظام حقوقی ایران
ایوب رحیمی
حفظ سرمایه اجتماعی در فرایند مبارزه با قاچاق کالا (مطالعه موردی بندر دلووار)
حسین اکبرپا
شرایط سلبی مسئولیت کیفری شخصی بر مبنای اساسنامه دیوان کیفری بین المللی
محمدرضا افراسیابی
تأثیر قوانین داخلی و التزام به معاهدات بین‌المللی در مبارزه با فساد بانکی
سیدبهمن اکبری
سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین‌الملل
مهدی رضایی اسرمی
بزه‌دیده شناسی سبز و بزه‌دیدگان غیرانسانی
امین حاجی وند، امیرحسین خراشادی زاده، محمدجواد میرزایی



Various Means of Enforcement in International Law

سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین الملل

Yuji Iwasawa

International Court of Justice. Formerly Professor of International Law, University of Tokyo. Ph.D. (Osaka City), S.J.D. (Virginia), LL.M. (Harvard), LL.B. (Tokyo). This essay is based on a keynote address the author gave at the Annual Symposium of the Harvard International Law Journal held at Harvard Law School on March 24, 2023.

یوجی ایواساوا

قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری. استاد سابق حقوق بین‌الملل، دانشگاه توکیو. دکتر (شهر اوساکا)، قاضی ارشد (ویرجینیا)، حقوقدان (هاروارد)، حقوقدان (توکیو). این مقاله بر اساس سخنرانی اصلی نویسنده در سمپوزیوم سالانه مجله حقوق بین‌الملل هاروارد که در بیست و چهارم مارس ۲۰۲۳ میلادی در دانشکده حقوق هاروارد برگزار شد، نوشته شده است.

Mahdi Rezaei Asrami

Master's student in International Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

مهدی رضایی اسرمی

دانشجوی کارشناسی‌ارشد حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

mahdi.rza.80@gmail.com

<http://orcid.org/0009-0006-2883-4105>

Abstract

This article aims to provide a comprehensive and precise analysis of the diverse enforcement mechanisms established within the scope of the international legal system to ensure the adherence of states and other subjects of international law to their binding obligations. Prior to undertaking a detailed examination and categorization of these enforcement tools, it is essential to address a fundamental and long-standing critique that has consistently been raised concerning international law. This primary criticism underscores the absence of a centralized system with a decisive and universal guarantee of enforcement in international law, arguing that this very structural deficiency detracts from its full legal validity and the binding characteristic of "law." Subsequently, this article, while considering this significant challenge and responding to some of its dimensions, will elaborate upon and analyze the various and yet effective mechanisms that exist within the international legal order to compel states to implement their obligations, encompassing those arising from treaties, customary international law, general principles of law, and other sources of international law.

Keywords: Legal Sanction, Implementation of International Law, Self-help, Law of International Responsibility of States.

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف بررسی جامع و دقیق ابزارهای اجرایی متنوع در گستره نظام حقوق بین‌الملل به منظور تضمین پایبندی دولت‌ها و سایر تابعین حقوق بین‌الملل به تعهدات الزام‌آورشان، تدوین گردیده است. پیش از آن که به بررسی تفصیلی و دسته‌بندی این ابزارهای اجرایی بپردازیم، ضروری است تا به یکی از انتقادات بنیادین و دیرینه که همواره پیرامون حقوق بین‌الملل مطرح بوده است، اشاره نماییم. این انتقاد اساسی، بر فقدان یک سیستم متمرکز و دارای ضمانت اجرای قاطع و جهان‌شمول در حقوق بین‌الملل تأکید داشته و استدلال می‌کند که همین نقص ساختاری، اعتبار حقوقی کامل و ویژگی الزام‌آور قانون را از آن سلب می‌نماید. در ادامه این پژوهش، ضمن در نظر گرفتن این چالش مهم و پاسخ به برخی از ابعاد آن، به تبیین و تحلیل سازوکارهای متنوع و درعین حال کارآمدی که در نظام حقوق بین‌الملل برای وادارسازی دولت‌ها به اجرای تعهدات خود، اعم از تعهدات ناشی از معاهدات، عرف بین‌الملل، اصول کلی حقوقی و سایر منابع حقوق بین‌الملل وجود دارند خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: ضمانت اجرا، اعمال و اجرای حقوق بین‌الملل، خودیاری، حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها.

Received: 2025/07/13 - Review: 2025/08/01 - Accepted: 2025/09/22

در نقش مقاله: ۱۴۰۴/۰۴/۲۲ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۰ - انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱ - مقاله: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

ارجاع: ایوساوا، یوجی؛ (۱۴۰۴)، سازوکارهای گوناگون اعمال و اجرای حقوق بین الملل، ترجمه مهدی رضایی اسرمی، تمدن حقوقی، شماره ۲۴.
Copyrights: Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (http://creativecommons.org/licenses/by/4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.
 CC BY-NC-SA
 COPE COMMITTEE ON PUBLICATION ETHICS

پیشگفتار مترجم

پژوهشی که پیش روی خوانندگان قرار دارد، ترجمه‌ای است از اثری علمی و تحلیلی به قلم آقای یوئوچی ایوساوا، یکی از برجسته‌ترین استادان و قضات معاصر در حوزه حقوق بین الملل، به‌ویژه در زمینه اجرای قواعد بین المللی. قاضی ایوساوا که در حال حاضر یکی از اعضای دیوان بین المللی دادگستری است، نه تنها تجربه‌ای گسترده در عرصه نظری و آکادمیک دارد، بلکه در عمل نیز سال‌ها در سطوح عالی نهادهای بین المللی نقش آفرینی کرده است. او از چهره‌های شناخته شده در جامعه حقوقی ژاپن و بین المللی است و سابقه عضویت در کمیته حقوق بشر سازمان ملل متحد و نیز تدریس در دانشگاه توکیو را در کارنامه دارد. جناب ایوساوا در آثار خود همواره به دنبال پیوند میان نظریه و عمل در حقوق بین الملل بوده است. وی بر این باور است که حقوق بین الملل، اگرچه فاقد نهاد مرکزی الزام‌آور همانند دولت در سطح ملی است، اما همچنان واجد سازوکارهایی مؤثر برای تضمین تبعیت تابعان از قواعد آن است. پژوهش حاضر نیز، به عنوان یکی از مهم‌ترین پژوهش‌های وی در زمینه «اجرای حقوق بین الملل»، در چهارچوب این نگاه کل‌نگر نگاشته شده است.

نویسنده پژوهش، با طرح این پرسش بنیادین که چگونه می‌توان در غیاب یک ساختار مرکزی اجباری، تعهدات بین المللی را در عمل به اجرا گذاشت؟، به واکاوی و دسته‌بندی ابزارها و سازوکارهای متنوع موجود در حقوق بین الملل می‌پردازد. نقطه آغاز بحث، پرداختن به یکی از قدیمی‌ترین انتقاداتی

است که به حقوق بین الملل وارد شده؛ این که این شاخه از حقوق، به دلیل نبود ضمانت اجرای قاطع، نمی تواند واجد خصیصه «قانونی» باشد. ایوساوا با نگاهی تاریخی و نظری به آرای اندیشمندانی همچون آستین، کلسن و یلینک این انتقاد را مورد بررسی قرار داده و نشان می دهد که حقوق بین الملل نه تنها با ضمانت اجرا بیگانه نیست، بلکه مجموعه ای از ابزارهای متنوع اجرایی را در اختیار دارد که بسته به ماهیت تعهد و رفتار دولت ها، می تواند مؤثر واقع شود.

آن چه پژوهش حاضر را از بسیاری از آثار مشابه متمایز می سازد، تحلیل بینابینی میان حقوق، سیاست و ساختارهای نهادی جامعه بین المللی است. نویسنده تلاش می کند میان کارکردهای عملی سازوکارهای مختلف^۱ و چهارچوب های نظری رایج، پیوندی برقرار سازد و از این رهگذر، تصویر واقع گرایانه تری از اجرای قواعد بین المللی ارائه کند.

از منظر ارزش علمی، پژوهش حاضر واجد نکات کلیدی برای دانش پژوهان و پژوهشگران حوزه حقوق بین الملل است. در شرایطی که گاه به دلیل ناکارآمدی برخی سازوکارهای سنتی حقوق بین الملل^۲، مشروعیت این نظام حقوقی زیر سؤال می رود، این پژوهش با رویکردی تحلیلی و درعین حال واقع گرایانه، امکان های بالقوه و بالفعل دیگری را برای تضمین اجرای قواعد حقوقی برجسته می کند. این متن همچنین به ویژه برای حقوقدانانی که در فضای حقوق داخلی با آثار بین المللی مواجه اند، می تواند راهگشای فهمی عمیق تر از رابطه میان تعهدات بین المللی دولت ها و سازوکارهای اجرایی آن ها باشد.

ترجمه این پژوهش، با توجه به نقش بنیادین آن در پاسخ به یکی از بنیادی ترین چالش های حقوق بین الملل^۳، به زبان فارسی می تواند افق های تازه ای را در پژوهش ها و آموزش حقوق بین الملل در ایران بگشاید. به ویژه در مقطع کنونی که جایگاه و عملکرد نهادهای بین المللی در معرض ارزیابی های گسترده و گاه انتقادی قرار دارد، بازخوانی آثاری از این دست، راه را برای قضاوتی دقیق تر و علمی تر در این زمینه هموار می سازد. در پایان، امید است که انتشار این ترجمه در فضای علمی ایران، ضمن معرفی یکی از مهم ترین پژوهش های تحلیلی حوزه اجرای حقوق بین الملل، سهمی در ارتقای گفتمان حقوقی در کشور

۱- مانند تحریم های هدفمند شورای امنیت سازمان ملل متحد، اقدامات متقابل دولتی یا عملکرد دادگاه های داخلی در اعمال حقوق بین الملل

۲- مانند حل اختلاف قضایی یا اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد

۳- یعنی ضعف یا فقدان ضمانت اجرا

داشته باشد و مخاطبان را به مطالعه و تأمل بیشتر درباره چگونگی تعامل میان حقوق، سیاست و نهادهای بین‌المللی فراخواند.

مقدمه

این پژوهش به بررسی ابزارهای مختلف اجرایی موجود در حقوق بین‌الملل برای کمک به تضمین رعایت مقررات خواهد پرداخت. پیش از پرداختن به این ابزارهای مختلف، این پژوهش ابتدا به انتقاد مطرح شده علیه حقوق بین‌الملل می‌پردازد، یعنی این که این حقوق به دلیل نداشتن ضمانت اجرا، واجد شرایط قانون نیست.

۱- ضمانت اجرا به‌عنوان خصیصه‌ای قانونی

کثیر حقوقدانان بر این باورند که ضمانت اجرا، وجه‌میزه قانون از دیگر هنجارهای اجتماعی مانند اخلاق و مذهب است. ضمانت اجرا در این معنای اعم به اجباری اطلاق می‌گردد بر اعضای یک جامعه، برای وادار کردن آن‌ها به تبعیت از قانون. برای مثال در حقوق داخلی، نقض قوانین کیفری با مجازات و در حقوق مدنی، احکام دادگاه‌ها از طریق دستورهای اجرایی صادره، تضمین می‌شوند. در مورد حقوق بین‌الملل غالباً این استدلال به این شکل مطرح می‌شود که، دلیل این که حقوق بین‌الملل در زمره قانون قرار نمی‌گیرد، فقدان ضمانت اجرای آن است. جان آستین در کتاب قلمرو مشخص علم حقوق استدلال خود را این گونه مطرح کرد که قانون، دستوری است که توسط یک حاکم صادر شده که در صورت عدم تبعیت، با ضمانت اجرا^۴ همراه است (Austin, 1832, 208).

از آن جایی که قواعد حقوق بین‌الملل فاقد این ویژگی بودند، وی آن را «قانون به تعبیری نادرست» می‌دانست. به گفته او، توصیف قوانین بین‌المللی به‌عنوان «اخلاق بین‌المللی مثبت»^۵ دقیقاً منظور و مفهوم را می‌رساند. از طرفی، برخی حقوقدانان با انکار این موضوع که ضمانت اجرا ویژگی متمایزکننده و منحصر به فرد قانون است، بر این نظر هستند که قواعد حقوق بین‌الملل در زمره قانون قرار می‌گیرند.

۴- مجازات

۵- آنچه که در عمل به‌عنوان رفتار درست یا قابل قبول در عرصه بین‌المللی تلقی می‌شود، فارغ از این که به صورت رسمی در قوانین بین‌المللی مدون شده وجود داشته باشد یا خیر و همچنین فاقد جنبه الزام‌آوری هستند. این مفهوم در مقابل حقوق بین‌الملل موضوعه قرار می‌گیرد

گنورگ یلینک^۶ ویژگی متمایزکننده قانون را نه ضمانت اجرا، بلکه «تضمین»^۷ می‌داند (Jellinek, 1905, 328). به گفته او، «نه ضمانت اجرا بلکه تضمین»^۸ ویژگی اساسی^۹ مفهوم قانون است. رابطه تضمین و ضمانت اجرا، رابطه‌ای است عام و خاص که تضمین به عنوان نیروی محرکه قانون و ضمانت اجرا صرفاً زیرمجموعه‌ای از تضمین است. او بر این عقیده بود که به دلیل این که دولت‌ها بالاترین مرجع در حقوق بین الملل هستند پس، قوانین بین المللی فاقد ضمانت اجرا هستند. اما این امر دلیلی بر آن نیست که قوانین بین المللی فاقد تضمین^{۱۰} نیز باشند، لذا، قوانین بین المللی دارای تضمین هستند (Jellinek, 1905, 364).

با این وجود، اکثر حقوقدانان ضمانت اجرا را به عنوان ویژگی متمایزکننده قانون پذیرفتند و علاوه بر این، بر این باورند که حقوق بین الملل در زمره قانون قرار می‌گیرد، چرا که ضمانت اجرایی تحت قواعد حقوق بین الملل قابل رویت است. این که انتظار تشابه ضمانت اجرای حقوق بین الملل با حقوق داخلی را داشته باشیم، انتظاری بیهوده است، زیرا در این صورت، تأکید کرده‌ایم بر این که حقوق داخلی دولت‌ها تنها شکل ممکن قانون است. در دوران پیشامدرن، حقوق داخلی غالباً از طریق استیفای شخصی حق و به نحوی با خودیاری به اجرا می‌رسید.

کلسن^{۱۱} قواعد حقوق بین الملل را واجد خصیصه قانون می‌داند چرا که به زعم او جنگ و اقدامات تلافی جویانه به عنوان ضمانت اجرایی در عرصه بین المللی قابل اجرا بودند. او همچنین این دو را به عنوان ضمانت اجرای یک نظم حقوقی بدوی یا غیرمتمرکز در نظر می‌گرفت. وجه تشابه و تمایز نظریه آستین و کلسن در مورد قانون، اطاعت است، در نظریه آستین این اطاعت باید در برابر حاکمان و در نظریه کلسن این اطاعت باید در برابر قواعد باشد. از منظر حقوق بین الملل معاصر که منع استفاده از زور به عنوان

۶- گنورگ یلینک یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان حقوق و دولت در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی بود. او در سال ۱۸۵۱ میلادی در آلمان متولد شد و در سال ۱۹۱۱ میلادی درگذشت. یلینک استاد حقوق عمومی و فلسفه حقوق بود و نقش مهمی در توسعه نظریه‌های حقوق عمومی، دولت، و رابطه میان حقوق داخلی و بین المللی ایفاء کرد

۷- guarantee

۸- Zwang

۹- Merkm

۱۰- که مفهومی عام است

۱۱- Hans Kelsen

یک قاعده آمره^{۱۲} در آن جاری است، قابل تصور نیست که جنگ و اقدامات تلافی جویانه را به عنوان «ضمانت اجراهای» حقوق بین الملل در نظر بگیریم. با این حال، پیش از آن که استفاده از زور منع گردد، جنگ و اقدامات تلافی جویانه نقش پررنگی را به عنوان ابزارهای خودیاری ایفاء می کردند. عدم نفی خودیاری یکی از ویژگی های قابل توجه حقوق بین الملل است. اقدامات تلافی جویانه غیرقهری را که امروزه به عنوان اقدامات متقابل^{۱۳} می شناسیم، به عنوان وسیله ای کمکی برای اجرای حقوق بین الملل به شمار می روند. علاوه بر این، ابزارهای اجرایی گوناگونی در حقوق بین الملل برای کمک به تضمین تبعیت تابعان نقش ایفاء می کنند. در حقوق بین الملل ضمانت اجراهایی به اشکالی متفاوت از آن چه در حقوق داخلی وجود دارد، می بینیم؛ بنابراین، حتی اگر کسی بپذیرد که ضمانت اجرا وجه ممیزه قانون است، باز هم ماهیت حقوقی حقوق بین الملل قابل دفاع است.

۲- طرق مختلف اجرای حقوق بین الملل

در این بخش به هفت ابزاری که حقوق بین الملل برای تضمین تبعیت تابعان از آن ها بهره می جوید، می پردازیم. اعم از اجرای داخلی و کاربرد مقررات در نظام حقوقی ملی، اقدامات اجرایی شورای امنیت سازمان ملل متحد، خودیاری، حقوق مسئولیت بین المللی دولت، حل و فصل اختلافات بین المللی، مکانیزم های نظارتی بر انطباق با تعهدات بین المللی و اجرای حقوق کیفری بین المللی از طریق دادگاه های داخلی و دادگاه ها و دیوان های کیفری بین المللی.

۲-۱- اجرای داخلی و کاربرد مقررات در نظام حقوقی ملی

اساسی ترین و مهم ترین وسیله در اجرا و اعمال حقوق بین الملل، اجرای آن در نظام های حقوقی ملی است. که این «اجرای داخلی» حقوق بین الملل منوط است به وضع قوانینی توسط قانون گذاران ملی برای ایفاء تعهدات بین المللی دولت. این نخستین گام لازم برای اعمال حقوق بین الملل در سطح داخلی است. با این حال، اکنون با تمرکز بر نقش دادگاه های داخلی، به اعمال حقوق بین الملل نگاهی خواهیم انداخت.

۱۲- Jus Cogens

۱۳- countermeasures

۱-۲-۱- تعدد کارکردی^{۱۴}

ژرژ سل^{۱۵} نظریه تقسیم وظایف یا تقسیم نقش را در حقوق بین الملل مطرح می کند. بر این اساس، ارگان های ملی ایفاء گر نقشی دوگانه ای هستند، یعنی از یک سو، به عنوان ارگان های یک دولت در نظام حقوقی ملی خود و از سوی دیگر، به عنوان ارگان های جامعه بین المللی در شکل گیری، اجرا و اعمال حقوق بین الملل مشارکت می کنند (Scelle, 1990, 210). ارگان های اجرایی و قانون گذاری تمایل بیشتری به اولویت دادن به منافع ملی دارند، ولی در مقابل عمل ارگان های قضایی یا دادگاه های داخلی به عنوان ارگان های واقعی جامعه بین المللی محتمل است. این نقش مهم دادگاه های داخلی در حقوق بین الملل، ناشی از ماهیت غیرمتمرکز نظام حقوقی بین المللی است.

۱-۲-۲- اعمال قواعد در سطح ملی

اگر دولتی برخلاف تعهدات بین المللی خود عمل کند و به یک شخص غیر تبعه خود خسارت وارد آورد، دولت متبوع آن فرد، امکان طرح دعوای بین المللی را دارد. برای این که آن دولت بتواند از حمایت دیپلماتیک استفاده کند، شخص آسیب دیده باید شرط رجوع به مراجع داخلی را به عمل آورده باشد. لزوم رعایت این قاعده به دولت مسئول فرصت اصلاح اقدامات نادرست ارگان های ملی خود را از طریق ابزارهای موجود در حقوق داخلی می دهد تا از تشدید مشکل و تبدیل آن به یک اختلاف بین دولتی جلوگیری کند. قاعده لزوم استفاده از راه حل های داخلی گواهی بر اهمیت اعمال داخلی حقوق بین الملل است.

وظیفه اصلی یک دادگاه داخلی، اعمال حقوق بین الملل بر اقدامات دولت خود و در صورت مغایرت چنین اقداماتی با حقوق بین الملل، اعلام غیرقانونی بودن آنها است. این که آیا حقوق بین الملل در نظام حقوقی داخلی کشورها نیروی قانونی دارد یا خیر؟ به عهده خود دولت ها است. کما این که حقوق بین الملل عرفی در بسیاری از کشورها از این نیروی قانونی داخلی برخوردار است و نیز معاهدات هم در بسیاری از کشورها نیروی قانونی داخلی دارند.^{۱۶} با این حال، خلاف این هم در تعداد قابل توجهی از

۱۴- Dédoulement Fonctionnel

۱۵- Georges Scelle

۱۶- در ایالات متحده امریکا، گاهی اوقات استدلال می شود که یک معاهده غیر خود اجرایی بخشی از حقوق داخلی نمی شود.

با این حال، یک معاهده، قانون برتر سرزمین است، چه خود اجرایی باشد چه نباشد

کشورها وجود دارد. اگر حقوق بین‌الملل را دارای نیروی قانونی داخلی فرض کنیم و مستقیماً قابل اعمال بدانیم، پس دادگاه‌های داخلی می‌توانند آن را اعمال کرده و اقدامات اجرایی مغایر را باطل کنند.

۳-۲-۱- اعمال غیرمستقیم قواعد حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی داخلی

در جایی که حقوق بین‌الملل مستقیماً قابلیت اعمال نداشته باشد، آثار گوناگون دیگری در حقوق داخلی دارد. در بیشتر کشورها، اصل ثابتی وجود دارد مبنی بر این که دادگاه‌ها باید قوانین ملی را مطابق با حقوق بین‌الملل تفسیر کنند. این امر را به‌عنوان اصل تفسیر سازگار یا اعمال غیرمستقیم حقوق بین‌الملل می‌شناسیم. هنگامی که دولتی برای اجرای حقوق بین‌الملل اقدام به وضع قانون داخلی می‌کند، چیزی که اهمیت دارد این است که تفسیر این قانون باید در پرتو حقوق بین‌الملل باشد. البته که این اصل باید در صورت تقدم تصویب قانون داخلی نسبت به قاعده حقوق بین‌الملل نیز اجرا شود.

معاهدات حقوق بشر از آن دسته از معاهداتی هستند که می‌توانند بر روابط بین اشخاص خصوصی نیز اعمال شوند. قاعده «اثر بر شخص ثالث»^{۱۷} ناشی از تأثیر حقوق بشر بر روابط بین اشخاص است. این قاعده در ژاپن و آلمان به شدت مورد توجه واقع شده است (Delbrück, 1975, 61). به‌عنوان مثال، دادگاه‌های ژاپن برای تفسیر مفهوم «مسئولیت مدنی» در حقوق ژاپن از کنوانسیون بین‌المللی محو همه اشکال تبعیض نژادی به‌عنوان ابزاری اصلی استفاده می‌کنند. از آن جایی که دادگاه‌های داخلی اغلب رغبتی تأیید و اعمال مستقیم حقوق بین‌الملل ندارند، از این رو چراغ سبزی به استفاده غیرمستقیم از حقوق بین‌الملل برای تفسیر سازگار قوانین ملی نشان می‌دهند.

۴-۲-۱- کاربرد مقررات خارجی در چهارچوب حقوق بین‌الملل

دادگاه‌های داخلی می‌توانند اقدامات مختلفی در جهت کاربرد مقررات خارجی در چهارچوب حقوق بین‌الملل داشته باشد. نخست، قربانیان نقض حقوق بین‌الملل بشر امکان این را دارند که برای جبران خسارت از یک دولت خارجی یا مقامات آن در دادگاه‌های داخلی شکایت کنند. دادگاه‌های داخلی نیز اگر تشخیص به نقض حقوق بین‌الملل توسط دولت خارجی یا مقامات آن دهد، می‌توانند حکم به پرداخت

۱۷- اصطلاحی در حقوق آلمان به معنی اثر بر ثالث یا اثرگذاری بر اشخاص ثالث است. به‌طورکلی اشاره به این دارد که آیا و تحت چه شرایطی یک عمل حقوقی (مانند قانون، قرارداد، یا حقوق اساسی) می‌تواند حقوق یا تکالیفی را برای اشخاصی ایجاد کند که طرف مستقیم آن عمل حقوقی نبوده‌اند.

غرامت کنند. قربانی نقض^{۱۸} می تواند تبعه دولت ناقض، دولت محل دادرسی یا حتی یک دولت ثالث باشد. این نوع دادرسی در دهه های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی در ایالات متحده امریکا با اقبال روبرو شده بود.^{۱۹}

دوم، بر اساس اصل صلاحیت جهانی، دادگاه های داخلی ممکن است غیراتباع خود را که مرتکب جرایم بین المللی خاص در خارج از قلمرو کشور شده اند، تحت پیگرد قانونی قرار داده و مجازات کنند. سوم، احتمال استناد به حقوق بین الملل در پرونده های استرداد یا اخراج مجرمین توسط دادگاه های داخلی نیز وجود دارد. که دادگاه ها در این حالت می توانند با توجه به قواعد حقوق بین الملل، دولت خود را از استرداد یا اخراج فردی به دولتی که در آن خطر واقعی آسیب جبرانناپذیر مانند نقض حق حیات و ممنوعیت شکنجه یا رفتار ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز وجود دارد، منع کنند. چهارم، دادگاه داخلی مختار است از اعمال قانون خارجی یا شناسایی و اجرای احکام خارجی به دلیل مغایرت آن با حقوق بین الملل خودداری کند. همچنین به عنوان دستاویز دیگر برای دادگاه های داخلی می توان به مغایرت قانون خارجی یا احکام خارجی با «نظم عمومی» دولت محل دادرسی نیز اشاره کرد.^{۲۰}

۲-۲- اقدامات قهری شورای امنیت سازمان ملل متحد

شورای امنیت سازمان ملل متحد در راستای تضمین تبعیت از حقوق بین الملل می تواند یک سری «اقدامات اجرایی» در دستور کار قرار دهد. بر اساس منشور سازمان ملل متحد، شورای امنیت سازمان ملل متحد می تواند تصمیمات الزام آور اعم از غیرنظامی و نظامی اتخاذ کند.^{۲۱} در واقع اقدام شورای امنیت سازمان ملل متحد تحت فصل هفتم، اقدام اداری یکی از ارگان های سازمان ملل متحد به شمار می رود که مسئولیت اصلی و اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را با هدف برقراری صلح بر عهده دارد. با این حال، اگر دولت ها مرتکب اعمالی شوند که صلح را تهدید یا نقض کند، این اعمال، اغلب تحت عنوان اعمال متخلفانه بین المللی شناخته می شوند. اگرچه منشور سازمان ملل متحد در این مورد از واژه «تدابیر» و نه «تحریم ها» برای اقدامات شورای امنیت سازمان ملل متحد تحت فصل هفتم استفاده کرده است ولی

۱۸- خواهان

۱۹- البته دیوان عالی ایالات متحده امریکا در سال های بعد این روند را محدود کرد

۲۰- برای مثالی در این مورد می توان به پرونده اوپنهایمر در برابر کترمول مطروحه در مجلس اعیان اشاره کرد

۲۱- ماده های ۳۹ الی ۴۲ منشور ملل متحد

کمیسیون حقوق بین‌الملل^{۲۲} از این اقدامات به‌عنوان «تحریم‌ها» یاد می‌کند.^{۲۳} همچنین که مفسران حقوقی نیز با کمیسیون حقوق بین‌الملل در کاربرد آن‌ها به‌عنوان «تحریم‌های» سازمان ملل متحد هم‌نظرند.

۱-۲-۲- تدابیر غیرنظامی شورای امنیت سازمان ملل متحد

در طول جنگ سرد، شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌ندرت می‌توانست تصمیمات الزام‌آور اتخاذ کند و دلیل اصلی این امر تضاد ایدئولوژیک و رقابت شدید بین دو ابرقدرت آن زمان بود. پیش از سال ۱۹۸۹ میلادی، تنها دو مورد از این دست وجود داشت که مربوط به رودزیا جنوبی و آفریقای جنوبی می‌شد. باین‌حال، از سال ۱۹۸۹ میلادی، شورای امنیت سازمان ملل متحد تصمیمات متعددی برای تدابیر غیرنظامی اتخاذ کرده است. به‌عنوان مثال، در رابطه با عراق در سال ۱۹۹۰ میلادی، سوماتالی و لیبی. شورای امنیت سازمان ملل متحد اغلب تدابیر غیرنظامی را تحت ماده ۴۱ منشور سازمان ملل متحد در قالب «تحریم‌های اقتصادی»، مانند ممنوعیت صادرات و واردات، تحریم تسلیحاتی، تحریم‌های مالی، ممنوعیت سرمایه‌گذاری و مسدود کردن دارایی‌ها اتخاذ می‌کند. این تدابیر غیرنظامی همچنین شامل ممنوعیت سفر، محدودیت در تبادل فرهنگی، ممنوعیت ورود هواپیما و قطع روابط دیپلماتیک می‌شود.

اثر منفی تحریم‌های اقتصادی بر زندگی شهروندان به شدت قابل ملاحظه بود؛ بنابراین، از دهه ۱۹۹۰ میلادی، رویه شورای امنیت سازمان ملل متحد در نوع تحریم‌ها متحول شد و شروع به هدف قراردادن افراد و نهادهای خاص، از جمله رهبران دولتی و تروریست‌ها کرده است. این نوع تحریم‌ها به‌عنوان «تحریم‌های هوشمند»^{۲۴} یا «تحریم‌های هدفمند» شناخته می‌شوند. کمیته‌های تحریم فهرستی از افراد و نهادهای مورد تحریم که شامل مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت سفر است، تهیه می‌کنند. البته گاهی شاهد این هستیم که کمیته‌های تحریم برخی افراد را بدون مبنای موجه فهرست کرده‌اند و دادگاه‌های بین‌المللی دریافته‌اند که اجرای این تحریم‌ها توسط دولت‌ها با نقض حقوق بشر آن افراد همراه است.^{۲۵}

۲۲- ILC- International Law Commission

۲۳- پیش‌نویس ماده‌های مربوط به مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی به همراه تفسیریه‌های آن، در جلد دوم سالنامه کمیسیون حقوق بین‌الملل و سند سازمان ملل A/56/10 در ماده ۲۲، پاراگراف سوم مربوط به سال ۲۰۰۱ میلادی

۲۴- smart sanctions

۲۵- ارجاع به پاراگراف‌های سیصد و هفتاد تا سیصد و هفتاد و دو رای دادگاه عدالت اروپا در پرونده‌های تجمیع‌شده آقای قاضی و بنیاد بین‌المللی البرکات علیه شورای اتحادیه اروپا و کمیسیون اروپا در سال ۲۰۰۸ میلادی

در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ میلادی، شورای امنیت سازمان ملل متحد از طریق قطعنامه، اقدام به تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق^{۲۶} و دادگاه کیفری بین‌المللی برای رواندا^{۲۷} بر اساس ماده ۴۱ منشور سازمان ملل متحد کرد. اما استفاده شورای امنیت سازمان ملل متحد از ماده ۴۱ به همین مورد محدود نشد و شورای امنیت سازمان ملل متحد اقدام به تأسیس یک کمیسیون بین‌المللی تحقیق و ارجاع پرونده‌ها به دادگاه کیفری بین‌المللی^{۲۸}، کرده است. نظر به این نکته خالی از لطف نیست که شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان یک رکن اداری سازمان ملل متحد، از طریق تصویب قطعنامه‌های الزام‌آور، وظایف قانون‌گذاری در عرصه بین‌المللی را نیز اعمال می‌کند.

۲-۲-۲- تدابیر نظامی شورای امنیت سازمان ملل متحد

تا به امروز هیچ‌گاه بر مواد مربوط به نیروهای مسلح در اختیار شورای امنیت سازمان ملل متحد^{۲۹} جامه عمل پوشانیده نشد. پیش از سال ۱۹۸۹ میلادی، شورای امنیت سازمان ملل متحد تنها در یک مورد، اقدام به ارائه «توصیه» تدابیر نظامی کرد، آن هم در جنگ کره در سال ۱۹۵۰ میلادی. اما بعد از سال ۱۹۹۰ میلادی، شورای امنیت سازمان ملل متحد پای در مسیر صدور مجوز برای اقدامات نظامی توسط کشورهای عضو سازمان ملل متحد گذاشت که در این مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد به کشورهای عضو اجازه استفاده از «تمام ابزارهای لازم» برای بازگرداندن صلح و امنیت بین‌المللی را اعطاء می‌کرد، این روند از کویت آغاز شد. دیگر بار در جنگ خلیج فارس بود که این مجوز با هدف توقف توسل به زور غیرقانونی عراق صادر شد. در گذر زمان، هدف صدور مجوز برای اقدامات نظامی وسیعتر شد، از کمک‌های بشردوستانه گرفته تا صلح‌سازی، جلوگیری از نسل‌کشی، حمایت از انتخابات عادلانه و حفاظت از غیرنظامیان.

۲-۲-۳- عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد

دلیل وجودی عملیات حفظ صلح به مواقعی مربوط می‌شد که شورای امنیت توانایی و کارآمدی لازم در اتخاذ تدابیر نظامی را نداشت. البته که ناکارآمدی شورای امنیت تا به امروز پر واضح است، زیرا شمار این عملیات‌ها

۲۶- ICTY

۲۷- ICTR

۲۸- ICC

۲۹- مواد ۴۳ تا ۴۷ منشور ملل متحد

تاکنون به بیش از هفتاد رسیده است. هدف از عملیات حفظ صلح، حل و فصل مناقشه نیست، چه رسد به اجرای حقوق بین الملل ولی با این وجود، عملیات حفظ صلح یکی از موفق ترین فعالیت های سازمان ملل متحد است.^{۳۰}

۳-۲- خودیاری در حقوق بین الملل

دولت می تواند به منظور توقف رفتار معینی توسط دولت ثالث حتی بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد به اقدامات غیرقهری متوسل شود. این اقدامات در عمل تحریم است ولی برخی از حقوقدانان بین المللی امتناع از اشاره به آن را دارند، زیرا بر این باورند که این اقدامات اعمال یکجانبه ای هستند که توسط دولت به عنوان ابزار خودیاری^{۳۱} استفاده می شوند (Gaeta, 2020, 309). علاوه بر سازمان ملل متحد، می توانیم این تحریم ها را در عملکرد سازمان های منطقه ای نیز متصور شویم. شورای امنیت سازمان ملل متحد نه تنها از سازمان های منطقه ای برای اقدامات اجرایی تحت نظارت خود استفاده می کند بلکه به آن ها اجازه اقدامات اجرایی را هم داده است. آن دسته از تحریم هایی که توسط کشورهای عضو یک سازمان منطقه ای و بر اساس تصمیم سازمان ملل متحد اعمال می شود نیز از نوع تحریم های سازمان یافته هستند، چرا که مطابق با سند تأسیس سازمان ملل متحد اتخاذ می شوند.^{۳۲} خودیاری می تواند بر اساس اقدامات غیرقهری صورت بگیرد که در ادامه به اشکال مختلف آن می پردازیم.

۱-۲-۳- مقابله به مثل^{۳۳}

مقابله به مثل به عنوان یکی از اشکال خودیاری شناخته می شود و زمانی صورت می گیرد که یک دولت اقدام غیرقهری در پاسخ به عمل متخلفانه بین المللی دولت دیگر، اتخاذ کند. مقابله به مثل با هیچ یک از تعهدات بین المللی دولت اقدام کننده مغایرت ندارد ولی دولتی که موضوع این اقدامات قرار می گیرد، ممکن است آن ها را غیردوستانه تلقی می کند. مقابله به مثل می تواند شامل ممنوعیت یا محدودیت روابط دیپلماتیک یا سایر تماس ها و لغو برنامه های کمک داوطلبانه باشد.

۳۰- see generally The Oxford Handbook of United Nations Peacekeeping Operations (Joachim A. Koops et al. eds., 2015).

۳۱- Self-Help

۳۲ - سازمان های منطقه ای آفریقایی تحریم های را به صورت خودمختار خارج از چهارچوب سازمان ملل متحد علیه یک کشور عضو سازمان اعمال کرده اند

۳۳- Retorsion

۲-۳-۲- اقدامات متقابل^{۳۴}

اگر یک دولت در پاسخ به عمل متخلفانه بین المللی دولت دیگر، به اقدام غیرقهری متوسل شود که این اعمال این بار مغایر با تعهدات بین المللی آن باشد از آن با نام اقدام متقابل یاد می کنیم. اقدام متقابل، اقدامی است در پاسخ به عمل متخلفانه بین المللی دولت دیگر که به منظور توقف آن و دستیابی به جبران خسارت انجام می شود. در حقوق بین الملل برخلاف حقوق داخلی، این نوع خودیاری مجاز و مورد اقبال دولت ها است. طبق منشور سازمان ملل متحد، صورت منع شده اقدامات تلافی جویانه مسلحانه بودن آن است و از آن جایی که واژه تلافی^{۳۵} ممکن است تداعی کننده اقدام مسلحانه باشد، استفاده از واژه اقدامات متقابل به جای آن رواج یافت.

شرایط خاص اقدام متقابل تلقی شدن یک اقدام غیرقهری بدین صورت است که اول، اقدام متقابل تنها در پاسخ به عمل متخلفانه بین المللی قبلی دولت دیگر، به منظور توقف آن و دستیابی به جبران خسارت موجه است. دوم، اقدام متقابل باید متناسب با خسارت وارده باشد و اصل تناسب مستلزم ارزیابی هر دو جنبه کمی و کیفی خسارت وارده است.^{۳۶} سوم، دولت باید از الزامات رویه ای خاصی پیروی کند. به عنوان مثال، دولت باید از دولت مسئول بخواهد که تعهدات خود را انجام دهد، تصمیم خود برای اتخاذ اقدامات متقابل را به دولت مسئول اطلاع داده و پیشنهاد مذاکره دهد. علاوه بر این، دولت باید بدون تأخیر بی مورد، پس از توقف عمل متخلفانه و درحالی که اختلاف در دادگاه یا دیوان دارای صلاحیت برای صدور تصمیمات الزام آور برای طرفین مطرح است، اقدام متقابل را معلق کند که این تعلیق مشروط است بر این که دولت مسئول در اجرای رویه های حل اختلاف حسن نیت نشان دهد. چهارم، اقدامات متقابل نباید بر تعهدات خاصی تأثیر بگذارد، از جمله تعهد به منع تهدید یا استفاده از زور، تعهدات مربوط به حمایت از حقوق اساسی بشر، تعهدات بشردوستانه که اقدامات تلافی جویانه را ممنوع می کند و سایر تعهدات تحت قواعد آمره حقوق بین الملل عام.

مسئله مبتلا به این است که آیا اقدامات متقابل توسط ثالث تحت حقوق بین الملل مجاز است یا خیر؟ به

۳۴- Countermeasures

۳۵- reprisals

۳۶- جنبه های کیفی به میزان جدی بودن نقض و اهمیت منافع محافظت شده توسط قاعده مربوطه اشاره دارد

این معنا که آیا دولت‌هایی که از عمل متخلفانه بین‌المللی دولت دیگر آسیب ندیده‌اند می‌توانند برای وادار کردن آن دولت به توقف، به اقدامات متقابل متوسل شوند؟ در سال ۲۰۰۰ میلادی، کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌طور موقت این نظر را اتخاذ کرد که دولت‌هایی غیر از دولت زیان‌دیده، حق دارند در پاسخ به نقض تعهدات عام‌الشمول یا تعهدات عام‌الشمول گروهی^{۳۷}، به اقدامات متقابل متوسل شوند. باین‌حال، با توجه به نظرات انتقادی ارائه شده توسط دولت‌ها، کمیسیون حقوق بین‌الملل در نهایت پیش‌نویس مواد مسئولیت دولت در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی را اصلاح کرد. متن نهایی صرفاً مقرر می‌دارد که «این فصل به حق هر دولتی که طبق بند اول ماده ۴۸ حق استناد به مسئولیت دولت دیگر را دارد، برای اتخاذ اقدامات قانونی علیه آن دولت، لطمه وارد نمی‌کند».

کمیسیون حقوق بین‌الملل ملحوظ داشت که این «یک بند احتیاطی است که موضع را محفوظ می‌دارد و حل این مسئله را به توسعه بیشتر حقوق بین‌الملل واگذار می‌کند».^{۳۸} از دهه ۱۹۷۰ میلادی، توسل دولت‌های ثالث به اقدامات متقابل در واکنش به اقدامات جدی سایر دولت‌ها، مانند کاربرد غیرقانونی از زور، نقض آشکار حقوق بشر و انکار حق تعیین سرنوشت رایج‌تر شده است، حال آن که در گذشته، توسل دولت‌های ثالث به اقدامات متقابل بسیار نادر بود.^{۳۹}

۲-۴- حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها

حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت مجموعه‌ای از قواعد ثانویه است که به پیامدهای اعمال متخلفانه بین‌المللی توجه دارد و عامل توسعه حقوق مسئولیت دولت از قرن نوزدهم میلادی، بیشتر از مسیر عرف است. کمیسیون حقوق بین‌الملل پیش‌نویس مواد مسئولیت بین‌المللی دولت در قبال اعمال متخلفانه بین‌المللی را در سال ۲۰۰۱ میلادی پس از نزدیک به پنجاه سال کار فشرده به تصویب رسانید، درحالی‌که این سند به خودی خود از نظر قانونی فاقد جنبه الزام‌آور است، اما بسیاری از مقررات آن به‌عنوان بازتابی از حقوق بین‌الملل عرفی تلقی می‌شوند.

۳۷- تعهدی که در قبال گروهی از کشورها وجود دارد و برای حمایت از منافع جمعی آن گروه ایجاد شده است

۳۸- بند ششم از ماده ۵۳ شرح نظرات کمیسیون حقوق بین‌الملل

۳۹- یک نمونه از این موارد، تحریم عمومی واردات و تعلیق توافقی‌نامه‌های خدمات هوایی توسط کشورهای غربی در سال ۱۹۸۲ میلادی در واکنش به حمله آرژانتین به جزایر فالکلند است

حقوق مسئولیت بین المللی دولت نه تنها راهکارهایی برای نقض حقوق دولت های زیان دیده فراهم می کند، بلکه با الزام به توقف اعمال متخلفانه و جبران خسارات، مشروعیت را نیز احیاء می کند. دولتی که مسئول عمل متخلفانه بین المللی است، موظف است به توقف عمل، اگرچه توقف اغلب به عنوان بخشی از جبران خسارت تلقی می شود، اما پیش نویس توقف را به عنوان پیامدی ناشی از تعهدات اولیه دولت در نظر می گیرد. جبران خسارات ناشی از عمل متخلفانه بین المللی به شکل اعاده به وضع سابق، جبران خسارت و رضایت صورت می گیرد. اعاده به وضع سابق به معنای برقراری مجدد وضعیتی است که پیش از ارتکاب عمل متخلفانه وجود داشته است. پس، توقف و اعاده به وضع سابق اثر احیای مشروعیت را دارند. به این ترتیب، حقوق مسئولیت دولت به عنوان ابزاری برای اجرای حقوق بین الملل عمل می کند.

۲-۵- حل و فصل اختلافات بین المللی

هنگامی که دولتی مرتکب عمل متخلفانه بین المللی می شود، سایر دولت ها ممکن است بر اساس حقوق مسئولیت بین المللی دولت، مسئولیت آن دولت را مورد استناد قرار دهد و اگر این اختلاف از طریق مذاکرات حل نشود، طرفین می توانند به سایر روش های حل اختلاف متوسل شوند. مذاکرات اساسی ترین دستاویز برای حل اختلاف در حقوق بین الملل است. کما این که دخالت طرف ثالث در حل و فصل یک اختلاف بین المللی نیز امکان پذیر است. روش های حل اختلاف در حقوق بین الملل که ثالث می تواند ایفای نقش کند، شامل روش های غیرقضایی^{۴۰} و همچنین روش های قضایی^{۴۱} می شود، ولی از آن جایی که جامعه بین المللی غیرمتمرکز است، رسیدگی قضایی جز با رضایت دولت های ذیربط امکان پذیر نیست.^{۴۲}

در حل و فصل اختلافات بین المللی، نقش سازمان های بین المللی خالی از توجه نیست. اما حل و فصل اختلافات از این طریق یک روش واحد و متمایز حل اختلاف محسوب نمی شود، بلکه، سازمان های بین المللی از روش های مختلف حل اختلاف موجود در حقوق بین الملل بهره می برند. به عنوان مثال، نهادهای سیاسی سازمان های بین المللی، مانند مجامع عمومی و شوراهای ممکن است با اعمال نفوذ سیاسی

۴۰- مساعی جمیله، میانجیگری، تحقیق و سازش

۴۱- داوری و رسیدگی قضایی

۴۲- ماده ۳۳ منشور سازمان ملل متحد

خود بر طرفین اختلاف، در حل و فصل اختلافات بین‌المللی مشارکت کنند. روش حل اختلاف با اندکی اغماض می‌تواند به‌عنوان نوعی از میانجیگری تلقی شود. در مقابل، نهادهای مستقلی متشکل از اشخاص، مانند کمیته‌ها یا کمیسیون‌ها، با تکیه بر اصل بی‌طرفی و تخصص، در حل و فصل اختلافات مشارکت می‌کنند؛ این روش حل اختلاف ممکن است به‌عنوان نوعی سازش تلقی شود.

روش‌های قضایی و غیرقضایی حل اختلاف در اساس متفاوت‌اند. روش‌های قضایی^{۴۳} به دنبال حل و فصل اختلافات از طریق اعمال قانون حاکم هستند، اما روش‌های غیرقضایی حل اختلاف، استاندارد قابل اعمال را به قانون محدود نمی‌کنند. علاوه بر این، در روش‌های قضایی، تصمیمات طرف ثالث^{۴۴} برای طرفین متخاصم الزام‌آور است. در مقابل، در روش‌های غیرقضایی، مداخلات طرف ثالث^{۴۵} جنبه الزام‌آور ندارند، بلکه انتظار می‌رود که طرفین با استفاده از مداخله طرف ثالث به یک راه‌حل مورد رضایت متقابل دست یابند.

در مورد حل و فصل اختلافات بین‌المللی، مدل خطی^{۴۶} از اعتبار درخوری برخوردار است. در این مدل فرض بر این است که روش‌های مختلف حل و فصل اختلافات بین‌المللی یک مسیر خطی را تشکیل می‌دهند، با فهرستی که با مذاکرات آغاز می‌شود و به دنبال آن مساعی جمیله، میانجیگری، تحقیق، سازش، داوری و رسیدگی قضایی قرار دارند. طبق این مدل، روش‌های نزدیک به انتهای فهرست مطلوب‌ترند و از آن جایی که رسیدگی قضایی در انتها مسیر قرار دارد، بهترین روش برای حل و فصل انواع اختلافات است. با این حال، مدل خطی در حل و فصل اختلافات بین‌المللی ناکارآمد است. مدل مناسب‌تر، مدل چند مسیری^{۴۷} است که در این مدل نظر بر این است که روش‌های مختلف حل اختلاف باید با ماهیت اختلافات همخوانی و سنخیت داشته باشند. دیوان‌های بین‌المللی می‌توانند حقوق بین‌الملل را در مورد اختلافات حقوقی با تصمیمات الزام‌آور اعمال کرده و راه‌حل‌های عادلانه ارائه دهند که دیوان بین‌المللی دادگستری بدون شک نقش مهمی در این زمینه ایفاء می‌کند.

از آن جایی که جامعه بین‌المللی فاقد یک نهاد قانون‌گذاری رسمی است، حقوق بین‌الملل اغلب

۴۳- داوری و رسیدگی قضایی

۴۴- رکن قضایی

۴۵- به‌عنوان مثال یافته‌ها، گزارش‌ها، نظرات و پیشنهادهای

۴۶- linear-track model

۴۷- multiple-track model

به عنوان بازمانده از تحولات اجتماعی قلمداد می شود. شکاف بین قانون و واقعیت ممکن است در عرصه بین المللی بیشتر از عرصه داخلی ایجاد شود و چنین شکاف هایی ممکن است باعث بروز اختلاف شود. به عنوان مثال، جایی که یکی از طرفین از وضعیت فعلی قواعد راضی نیست و خواستار تغییر آن است، رسیدگی قضایی بین المللی به احتمال زیادی روش مناسبی برای حل این اختلاف بشمار نمی آید، زیرا که اختلاف طرفین در مورد خود قانون است نه اعمال آن. روش مؤثرتر برای حل چنین اختلافی این است که طرف ثالث از دیدگاه های عدالت و انصاف^{۴۸}، از طریق روش هایی مانند میانجیگری، یک راه حل عادلانه و منصفانه پیشنهاد کند؛ بنابراین، روش های غیرقضایی حل اختلاف در حقوق بین الملل نقش برجسته تری نسبت به این روش در حقوق داخلی ایفاء می کنند (Sogawa, 1950, 237).

۲-۶- مکانیزم های نظارتی بر انطباق با تعهدات بین المللی

روش اجرایی بعدی با نام های مختلفی شناخته می شود، از جمله کنترل انطباق، کنترل بین المللی یا نظارت بین المللی. تمام این عناوین به مکانیسم هایی اشاره دارد که از طریق آن نهادهای نظارتی بین المللی بر اجرای تعهدات بین المللی توسط دولت ها نظارت می کنند. مکانیسم های نظارتی به طور قابل توجهی در حقوق بین الملل تکامل یافته و نقش مهمی در اجرای تعهدات عینی دولت ها ایفاء می کنند.

اولین استفاده از مکانیسم های کنترل انطباق به حقوق بین الملل کار بر می گردد و از آن زمان به حوزه های دیگری مانند حقوق بشر، محیط زیست، اقتصاد، صلح آمیز از انرژی هسته ای و کنترل تسلیحات، گسترش یافته اند. نهادهای نظارتی ممکن است مشکل از کارشناسانی باشند که به صورت فردی یا نمایندگان دولتی خدمت می کنند. کنترل انطباق بسته به ماهیت و کارکرد نهادهای نظارتی، می تواند به کنترل قضایی و غیرقضایی تقسیم شود. مانند دادگاه های منطقه ای حقوق بشر، هیئت تجدیدنظر، پانل های سازمان تجارت جهانی و دیوان های داوری سرمایه گذاری که کنترل قضایی را انجام می دهند. در مقابل، در کنترل غیرقضایی، نتایج کنترل ها به شکل غیرالزام آوری در قالب گزارش ها و توصیه ها ارائه می شوند. کنترل انطباق می تواند اشکال مختلفی داشته باشد. هریک از آن ها در ادامه به اجمال خود بررسی خواهند شد.

۱-۲-۶- ارائه گزارش

ممکن است طبق یک معاهده از دولت‌ها خواسته شود تا گزارش‌هایی را برای توضیح نحوه اجرای معاهده در سرزمین‌های خود ارائه دهند. برای مثال در سال ۱۹۱۹ میلادی، اساسنامه سازمان بین‌المللی کار سیستمی برای بررسی سالانه گزارش‌های دولتی ایجاد کرد. معاهدات اصلی حقوق بشر سازمان ملل متحد یک سیستم گزارش‌دهی را بر اساس مدل سازمان بین‌المللی کار اتخاذ کرده‌اند. ارزیابی دوره‌ای جهانی^{۴۹} که توسط شورای حقوق بشر انجام می‌شود، نوعی سیستم گزارش‌دهی است. سیستم‌های گزارش‌دهی همچنین توسط معاهداتی مانند معاهدات مربوط به محیط زیست، اقتصاد و کنترل تسلیحات به تصویب رسیده‌اند. نهادهای نظارتی گزارش‌های ارائه شده توسط دولت‌ها را بررسی کرده و بر اساس ارزیابی گزارش‌ها، توصیه‌هایی را با هدف ترغیب دولت‌ها به اجرای کامل معاهده مربوطه ارائه می‌دهند.

۲-۲-۶- شکایات

نهادهای نظارتی شکایاتی که توسط دولت‌ها یا افراد ارائه می‌شوند را بررسی کرده و در مورد این که آیا دولت پاسخگو، تعهدات خود را طبق معاهده نقض کرده است یا خیر؟ یافته‌هایی را ارائه می‌دهند. در صورت شناسایی تخلفاتی توسط نهادهای نظارتی، این نهادها بر رعایت تعهدات مورد نظر تأکید می‌کنند. یک دولت عضو یک معاهده ممکن است شکایتی را علیه دولت عضو دیگر مبنی بر عدم ایفای تعهدات معاهده‌ای خود ارائه دهد؛ بنابراین، از نظر شکلی، یک شکایت بین دولتی ظاهریک حل اختلاف دوجانبه را دارد، ولی از نظر محتوایی، ماهیت کنترل انطباق و جنبه نظارتی دارد، چرا که معاهده تعهدات عینی را پیش‌بینی می‌کند.

شکایات بین دولتی به‌طور کلی ممکن است به رویه‌های قضایی و غیرقضایی تقسیم شوند. در رویه‌های قضایی، یک دولت پرونده‌ای را در یک دادگاه یا دیوان بین‌المللی علیه دولت دیگر به جریان می‌اندازد.^{۵۰} رویه‌های حل اختلاف سازمان تجارت جهانی نیز ممکن است به‌عنوان کنترل قضایی طبقه‌بندی شوند، زیرا گزارش‌های هیئت تجدیدنظر و پانل‌های سازمان تجارت جهانی برای دولت مربوطه واجد خصیصه الزام‌آور است. پس رویه‌های حل اختلاف سازمان تجارت جهانی به‌عنوان یک مکانیسم کنترل انطباق عمل می‌کنند. رسیدگی‌های ترافیعی در دیوان بین‌المللی دادگستری نیز هنگامی که دولتی غیر از دولت

۴۹- UPR- Universal Periodic Review

۵۰- کنوانسیون اروپایی حقوق بشر چنین رویه‌های بین دولتی را پیش‌بینی کرده است

زیان دیده پرونده‌ای را مبنی بر نقض تعهدات عام‌الشمول یا عام‌الشمول گروهی توسط دولت دیگر به شکل دعوای همگانی^{۵۱} مطرح می‌کند، عنصر و خصیصه کنترل قضایی را دارا هستند.

در مقابل، رویه‌های ارتباطات بین‌دولتی تحت معاهدات حقوق بشر سازمان ملل متحد ممکن است به‌عنوان رویه‌های غیرقضایی طبقه‌بندی شوند. به‌عنوان مثال، بر اساس کنوانسیون امحاء هر گونه تبعیض نژادی، یک کمیسیون سازش، فقط گزارشی حاوی توصیه‌های غیرالزام‌آور صادر می‌کند. علاوه بر این، رویه‌های غیرقضایی بین‌دولتی شامل رویه‌های شکایت در سازمان بین‌المللی کار، رویه‌های ارتباطات بین‌دولتی تحت کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و رویه‌های شکایت تحت برخی معاهدات خلع سلاح مانند کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک نیز می‌شوند. ارائه شکایت بین‌دولتی توسط دولت‌ها کم اتفاق می‌افتد، به جز تحت موافقتنامه سازمان تجارت جهانی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر.

شکایات ارائه شده توسط افراد نیز ممکن است به رویه‌های قضایی و غیرقضایی تقسیم شوند. نمونه‌هایی بارز از رویه‌های قضایی شامل درخواست‌های فردی به دادگاه حقوق بشر اروپا و داوری فی‌ما بین سرمایه‌گذار و دولت است. در طرف مقابل، رویه‌های ارتباطات فردی تحت معاهدات حقوق بشر سازمان ملل متحد نوعی رویه غیرقضایی تلقی می‌شوند، زیرا نظرات و تصمیمات صادرشده توسط کمیته‌های مربوطه از نظر قانونی الزام‌آور نمی‌باشند. اگر کمیته‌ای در رسیدگی به یک ارتباط خاص، نقض معاهده را تشخیص دهد، نه تنها راهکارهای خاصی را برای فرد مشخص می‌کند، بلکه اغلب توصیه‌هایی، برای جلوگیری از نقض بیشتر، برای بازنگری آن معاهده ارائه می‌دهد. رویه‌های غیرقضایی همچنین شامل نمایندگی‌های ارائه شده توسط انجمن‌های صنعتی کارفرمایان یا کارگران در سازمان بین‌المللی کار، رویه‌های شکایت در کمیته آزادی انجمن سازمان بین‌المللی کار، رویه شکایت شورای حقوق بشر، درخواست‌های فردی ارائه شده به کمیسیون بین‌امریکایی حقوق بشر و شکایات ارائه شده به هیئت‌های بازرسی در مؤسسات مالی بین‌المللی^{۵۲} می‌شود.

۳-۲-۶- کمیسیون حقیقت‌یاب

حقیقت‌یابی روندی است که به موجب آن یک نهاد بین‌المللی به دنبال کشف حقایق و ارائه گزارش

۵۱- actio popularis

۵۲- مانند بانک جهانی

است. حقیقت‌یابی ممکن است به درخواست دولت‌ها یا به ابتکار یک سازمان بین‌المللی آغاز گردد. حیطه این روش اغلب در زمینه حقوق بشر است که شامل کمیسیون‌های تحقیق یا ب ایجاد شده توسط شورای حقوق بشر می‌شود. حقیقت‌یابی همچنین در چهارچوب رویه‌های ویژه در شورای حقوق بشر و رویه‌های تحقیق مندرج در برخی معاهدات حقوق بشر سازمان ملل متحد انجام می‌شود.

در پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو آمده است که اگر یکی از کشورهای عضو، دولت دیگری را به نقض جدی مفاد کنوانسیون‌ها یا پروتکل متهم کند، می‌تواند موضوع را به کمیسیون بین‌المللی حقیقت‌یابی بشردوستانه ارجاع دهد. این کمیسیون متشکل از هفت نفر است که به بررسی موضوع می‌پردازند و پس از پایان بررسی، کمیسیون گزارشی شامل یافته‌ها و توصیه‌های خود را، به طرفین ارائه می‌دهد.^{۵۳} این رویه ممکن است به‌عنوان شکل نهادینه‌شده و سازمان‌یافته‌ای از تحقیق، یک ابزار کلاسیک حل اختلاف، تلقی شود. این رویه علاوه بر عنصر حل اختلاف، یعنی امکان استفاده برای رسیدگی به شکایات بین دولتی، ماهیت کنترل انطباق را دارد چرا که هدف آن نظارت بر اجرای تعهدات دولت‌های عضو است.

۴-۲-۶- بازرسی و نظارت

در بازرسی نمایندگان دولت‌ها یا سازمان‌های بین‌المللی از یک مکان به منظور این که آیا اقدامات، تأسیسات یا وضعیت یک دولت با تعهدات آن تحت یک معاهده مطابقت دارد یا خیر؟ بازدید می‌کنند. بازرسی متقابل نیز توسط دولت‌ها، برای مثال، در معاهده قطب جنوب ۱۹۵۹ میلادی، معاهده منع استقرار سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های کشتار جمعی در بستر دریا و زیربستر آن مصوب ۱۹۷۱ میلادی و برخی توافقنامه‌های منطقه‌ای و دوجانبه خلع سلاح، پیش‌بینی شده است.

پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نمونه‌ای و الگوی خوبی از بازرسی هستند که توسط یک سازمان بین‌المللی اداره می‌شوند. برخی دیگر از معاهدات نیز از پادمان‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان ابزار راستی‌آزمایی استفاده می‌کنند، مانند معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای ۱۹۶۸ میلادی و معاهدات دوجانبه در مورد استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای. کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی ۱۹۹۳ میلادی علاوه بر بازرسی‌های عادی، رویه بازرسی چالشی^{۵۴} را نیز معرفی کرد. طبق این رویه، یک دولت

۵۳- ماده ۹۰ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های ژنو

عضو می‌تواند درخواست بازرسی چالشی در محل هر تأسیسات دولت عضو دیگر را به منظور روشن شدن هر گونه سؤال در مورد عدم انطباق احتمالی با کنوانسیون ارائه دهد، سپس سازمان بازرسی را انجام می‌دهد. درحالی‌که این رویه از این نظر که بازرسی به درخواست دولتی که عدم انطباق دولت دیگر را ادعا می‌کند انجام می‌شود، به مانند حل و فصل اختلافات بین‌المللی است، اما ماهیت کنترل انطباق را دارد.

۵-۲-۶- فرایندهای عدم انطباق

بسیاری از توافقنامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی، رویه‌های عدم انطباق را پیش‌بینی کرده‌اند. نقطه شروع چنین رویه‌هایی برای اولین بار به پروتکل مونترال ۱۹۹۲ میلادی کنوانسیون حفاظت از لایه ازن باز می‌گردد. این رویه‌ها به‌عنوان مدلی برای رویه‌های عدم انطباق موجود در سایر توافقنامه‌های زیست‌محیطی عمل کرده‌اند، اگرچه در عمل و روش‌های اجرایی خود تفاوت دارند.

به‌طور کلی، یک دولت عضو، می‌تواند در صورت وجود تردید در مورد انطباق یک دولت خاص، رویه عدم انطباق را آغاز کند. درحالی‌که کمیته‌های اجرایی بیشتر از نمایندگان دولتی تشکیل شده‌اند^{۵۵}، ممکن است شامل اشخاصی نیز باشند که به صورت مستقل خدمت می‌کنند.^{۵۶} کمیته اجرایی پس از بررسی اطلاعات و ملاحظات ارائه شده توسط دولت‌های ذیربط و دبیرخانه، گزارشی را به نشست اعضاء ارائه می‌دهد که شامل هر گونه توصیه‌ای است که مناسب تشخیص می‌دهد. بر اساس پیشنهادات ارائه شده توسط کمیته اجرایی، نشست اعضاء ممکن است اقدامات مناسب را اتخاذ کند.

عدم انطباق با تعهدات تحت حقوق بین‌الملل محیط زیست اغلب ناشی از فقدان ظرفیت‌های مالی، اداری یا فنی یک دولت است. به همین دلیل، به جای واژه نقض^{۵۷}، از اصطلاح عدم انطباق^{۵۸} استفاده می‌شود. این رویه‌ها نه تنها به نقض تعهدات یک دولت تحت یک توافقنامه می‌پردازند، بلکه اعمالی را نیز شامل می‌شوند که ممکن است نقض توافقنامه محسوب نشوند، مانند اعمالی که مطابق با هدف و موضوع توافقنامه نیستند. اقدامات واکنشی به عدم انطباق بیشتر از این که تنبیهی باشند، تسهیل‌کننده هستند که

۵۵- به‌عنوان مثال پروتکل مونترال

۵۶- به‌عنوان مثال، کنوانسیون چهارچوب سازمان ملل متحد در مورد تغییرات آب و هوا

۵۷- violations

۵۸- non-compliance

شامل مشاوره و کمک می‌شوند. یک دولت به اصطلاح غیرمنطبق برای دستیابی به انطباق کامل، برنامه‌هایی را ارائه می‌دهد و وظیفه نظارت بر اجرای آن، بر عهده کمیته اجرایی می‌باشد.

نشست اعضای پروتکل مونترال در مورد اقدامات، فهرست راهنمای زیر از راه به تصویب رسانید: کمک مناسب، از جمله کمک فنی، انتقال فناوری و کمک مالی؛ صدور اخطار؛ تعلیق حقوق و مزایای خاص تحت پروتکل. به ندرت اتفاق می‌افتد که نشست اعضای اقدامات اجرایی مانند تعلیق حقوق و مزایا را اتخاذ کند. برخلاف حل اختلاف خصمانه، رویه‌های عدم انطباق یک مکانیسم غیرمقابلی و حمایتی هستند. ویژگی منحصر به فرد این رویه در این است که حتی یک دولت به اصطلاح غیرمنطبق نیز می‌تواند آن را سر بگیرد. کما این که این رویه ممکن است توسط سایر دولت‌ها نیز آغاز شود و کم یافت می‌شود که دولت شاکی از عدم انطباق دولت دیگر متضرر شده باشد. به عبارت دیگر، این رویه می‌تواند توسط دولت‌های غیرزیان‌دیده آغاز شود. از این رو، این روش به‌ویژه برای کنترل انطباق با تعهدات عام‌الشمول گروهی مندرج در توافقنامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی مناسب است.

۶-۲-۶- کنترل تطابق و حل و فصل اختلافات

تاکنون اشکال مختلف کنترل انطباق به اجمال شرح داده شد، از این رو، این بخش بر لزوم تمایز بین چنین کنترل انطباقی و حل اختلاف تأکید خواهد کرد. اگرچه کنترل انطباق زمانی که به شکل یک رویه بین دولتی در می‌آید شبیه حل اختلاف بین‌المللی است، اما تمایزاتی بین آن‌ها است.

نخست، اهداف آن‌ها متفاوت است، در حالی که هدف کنترل انطباق تضمین انطباق با تعهدات عینی است که مبتنی بر منافع مشترک جامعه هستند، هدف حل اختلاف، حل یک اختلاف به صورت دوجانبه است. دوم، کنترل انطباق لزوماً توسط یک دولت آسیب‌دیده آغاز نمی‌شود و ممکن است توسط یک دولت ثالث، افراد یا یک نهاد نظارتی آغاز شود. در مورد رویه‌های عدم انطباق تحت توافقنامه‌های چندجانبه زیست‌محیطی، حتی ممکن است توسط خود دولت غیرمنطبق آغاز شود. از سوی دیگر، حل اختلاف معمولاً توسط یک دولت آسیب‌دیده که مسئولیت بین‌المللی دولت دیگری را که مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی شده است، مورد استناد قرار می‌دهد، آغاز می‌شود. سوم، کنترل انطباق عموماً یک رویه پیشگیرانه است، در حالی که حل اختلاف پس از وقوع اختلاف صورت می‌گیرد و به دنبال تأمین جبران خسارت است.

۲-۷-۲-۱ اجرای حقوق کیفری بین المللی

مجازات جرایم فراملی و بین المللی توسط دادگاه‌های داخلی و دادگاه‌ها و دیوان‌های کیفری بین المللی به اجرای حقوق کیفری بین المللی کمک می‌کند. چنین مجازاتی مضاف بر اثر بازدارندگی، به جلوگیری از ارتکاب چنین جرایمی نیز کمک می‌کند.

۱-۲-۲-۷ دادگاه‌های داخلی

اصولاً جرایم توسط دادگاه‌های داخلی تعیین و اعمال می‌شوند. در مورد جرایم فراملی مانند تروریسم، برده‌داری و تجارت مواد مخدر، معاهدات بین المللی از کشورهای عضو می‌خواهد که صلاحیت قضایی خود را بر این جرایم اعمال کنند تا این اعمال توسط هریک از طرف‌های معاهده قابل مجازات باشند. این معاهدات همچنین تعهد به استرداد کن یا محاکمه کن^{۵۹} را پیش‌بینی می‌کنند. صلاحیت جهانی اغلب در موارد معدودی از قبیل جنایات جنگی، جنایات نسل‌کشی و جنایات علیه بشریت اعمال می‌شود. بر این اساس، صرف نظر از این که جرم در کجا ارتکاب یافته باشد، هر دولتی می‌تواند مرتکبین این جرایم را محاکمه کند. به همین خاطر، برخی از کشورها صلاحیت جهانی را در مورد جرایم مذکور اعمال کرده و مرتکبان را در دادگاه‌های داخلی خود محاکمه کرده‌اند.

۲-۲-۲-۷ دادگاه‌ها و دیوان‌های کیفری بین المللی

تصویب اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در سال ۱۹۹۸ میلادی و تأسیس دیوان کیفری بین المللی در سال ۲۰۰۳ میلادی، برشی مهم از تاریخ را رقم زد. صلاحیت دیوان کیفری بین المللی صرفاً شامل جنایات نسل‌کشی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوز است. پیش از دیوان کیفری بین المللی، در برهه پس از جنگ جهانی دوم، دیوان‌های کیفری بین المللی در نورنبرگ و توکیو تأسیس شدند. در دهه ۱۹۹۰ میلادی، شورای امنیت سازمان ملل متحد از طریق قطعنامه‌های خود، اقدام به تأسیس دادگاه بین المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق و دادگاه بین المللی کیفری برای رواندا کرد.

۵۹- اصلی مهم در حقوق بین الملل است که به‌طور خاص در مورد جرایم بین المللی جدی مانند جنایات جنگی، نسل‌کشی، شکنجه و تروریسم اعمال می‌شود و منبای حقوقی این اصل اغلب به معاهدات بین المللی خاص مربوط به جرایم بین المللی باز می‌گردد. برای مثال، کنوانسیون‌های مربوط به شکنجه، هواپیماربایی و تأمین مالی تروریسم معمولاً شامل بندهایی با مضمون استرداد کن یا محاکمه کن هستند.

از دهه ۲۰۰۰ میلادی به بعد، تعدادی دیوان کیفری مختلط یا ترکیبی تأسیس شده‌اند، به‌عنوان مثال، برای رسیدگی به جرایم ارتکاب یافته در تیمور شرقی، کوزوو، سیرالئون، کامبوج، بوسنی و هرزگوین و لبنان. دادگاه ویژه سیرالئون و شعب فوق‌العاده در دادگاه‌های کامبوج از نظر ساختار و قانونی که اعمال می‌کنند، نسبت به سایر دیوان‌های مختلط به دیوان‌های کیفری بین‌المللی نزدیک‌تر هستند.

نتیجه

حقوق بین‌الملل، با هدف تنظیم روابط میان دولت‌ها، مجموعه‌ای متنوع از سازوکارهای تضمین انطباق را در اختیار دارد. دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان رکن قضایی اصلی، نقش به‌سزایی در تفسیر و اعمال این قواعد و حل اختلافات از طریق آراء الزام‌آور ایفاء می‌کند. با این حال، توسل صرف به رسیدگی قضایی، با وجود مزایای آن، همواره کارآمدترین راهکار برای حل تمامی اختلافات بین‌المللی نیست.

تقویت اثربخشی حقوق بین‌الملل مستلزم بازبینی و بهبود مستمر تمامی ابزارهای اجرا، از جمله روش‌های دیپلماتیک، سازوکارهای نظارتی و در نهایت رسیدگی قضایی است. بهره‌گیری هوشمندانه و متناسب از این ابزارها، با توجه به ماهیت اختلاف و روابط میان طرفین، می‌تواند به ایجاد نظام کارآمدتری برای تضمین اجرای تعهدات بین‌المللی و حفظ صلح و امنیت جهانی منجر شود. هدف نهایی، ایجاد اطمینان در جامعه بین‌المللی از التزام عملی دولت‌ها به قواعد حقوقی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

کتاب‌ها

- Austin, J. 1832. The Province of Jurisprudence Determined. London: John Murray.
- Cassese, A. 2005. International Law (2nd ed.). Oxford: Oxford University Press.
- Dallaire, R. 2010. They Fight Like Soldiers, They Die Like Children: The Global Quest to Eradicate the Use of Child Soldiers. New York: Walker & Company.
- Delbrück, J. 1975. Internationale Verpflichtungen und innerstaatliche Verwaltung: Zugleich ein Beitrag zur Lehre von der Transformation völkerrechtlicher Normen.

- Berlin: Duncker & Humblot.
- Denov, M. 2010. *Child Soldiers: Sierra Leone's Revolutionary United Front*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Drumbl, M. A. 2012. *Reimagining Child Soldiers in International Law and Policy*. Oxford: Oxford University Press.
 - Dixon, M. 2007. *Textbook on International Law* (6th ed.). Oxford: Oxford University Press.
 - Gaeta, P. 2020. *The Use of Force in International Law: A Case-Based Approach*. Oxford: Oxford University Press.
 - Jellinek, G. 1905. *Allgemeine Staatslehre* (3rd ed.). Berlin: O. Häring.
 - Kaldor, M. 2013. *New and Old Wars: Organized Violence in a Global Era*. Stanford: Stanford University Press.
 - Kleffner, J. K. 2008. *Complementarity in the Rome Statute and National Criminal Jurisdictions*. Oxford: Oxford University Press.
 - McKay, S. 2008. *Girls as Soldiers: Violence & Protection in Conflict*. New York: Palgrave Macmillan.
 - Melzer, N. 2008. *Targeted Killing in International Law*. Oxford: Oxford University Press.
 - Scelle, G. 1990. *Manuel de droit international public* (Tome I). Paris: Librairie générale de droit et de jurisprudence.
 - Schabas, W. A. 2011. *An Introduction to the International Criminal Court* (4th ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
 - Shaw, M. N. 2008. *International Law* (6th ed.). Cambridge: Cambridge University Press.
 - Singer, P. W. 2006. *Children at War*. Berkeley: University of California Press.
 - Smeulers, A. 2008. Perpetrators of international crimes: Towards a typology. In A. Smeulers & R. Haveman (Eds.), *Supranational Criminology: Towards a Criminology of International Crimes*, Antwerp: Intersentia.
 - Sogawa, H. 1950. *Methods of Dispute Settlement in International Law*. Tokyo: [Publisher not listed].
 - Wessells, M. G. 2006. *Child Soldiers: From Violence to Protection*. Cambridge: Harvard University Press.

مقاله ها

- Byers, M. 2002. Abuse of Rights: An Old Principle, A New Age. *McGill Law Journal*, 47.
- Capone, F. 2016, Children Recruited by Terrorist Groups: The Role of the International Criminal Court. *International Humanitarian Legal Studies*, 7 (1).
- Cassese, A. 1998, Reflections on International Criminal Justice. *Modern Law Review*, 61.
- Chesney, R. 2010, Beyond the Battlefield, Beyond al-Qaeda: The Destabilizing Legal Architecture of Counterterrorism. *Michigan Law Review*, 112 (8).
- Clapham, A. 2010, The Role of the Individual in International Law. *European Journal of International Law*, 21.
- Jo, H., & Simmons, B. A. 2016, Can the International Criminal Court Deter Atrocity?.

- International Organization, 70 (3).
- Koskeniemi, M. 1990, The Politics of International Law. European Journal of International Law, 1.
- Moffett, L. 2016, Reparations for Victims of Mass Atrocities: Implications of the International Criminal Court's Early Practice. Human Rights Law Review, 16 (3).
- Paulussen, C. 2016, The Prosecution of Foreign Fighters in Western Europe: The Difficulties and Challenges of Effective Prevention. Security and Human Rights, 27 (1-2).
- Schmid, A. P. 2015. Foreign (Terrorist) Fighters: Challenge for Counter-Terrorism and Human Rights. ICCT Research Paper.
- Stahn, C. 2015, Justice under Transitional Administration: Contours and Critique of a Paradigm. Leiden Journal of International Law, 18 (3).

کنوانسیون ها

- Convention Against Torture and Other Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment, 1984.
- Geneva Conventions, 1949.
- Hague Convention on the Civil Aspects of International Child Abduction, 1980.
- International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.
- Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Involvement of Children in Armed Conflict, 2000.
- Rome Statute of the International Criminal Court, July 17, 1998, 2187 U.N.T.S. 90.
- The Paris Principles: Principles and Guidelines on Children Associated with Armed Forces or Armed Groups, UNICEF, 2007.
- United Nations Convention on the Rights of the Child, 1989.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.24- Summer 2025

Buyer-Seller Relationship in the Underlying Contract in a Letter of Credit with Emphasis on Iranian law
Homayoun Mafi, Reza Ehsani, Ahmadsreza Amiri Larjani

A Comparative Study of Environmental Protection under International Human Rights Law and International Humanitarian Law
Sayyed Fazlollah Mousavi, Amir Hossein Asgari

Child-centered Justice and Government: Responsibility Prevention, Correction and Rehabilitation of Children Violate Criminal Laws
Mohammad Roshan, Somayeh Ranginkaman, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi

Legal Challenges and Requirements of Artificial Intelligence in Workplaces: Examining Impacts and Reform Solutions
Maryam Boroomand Bazkiagourabi, Amirreza Mahmoudi

Algorithmic Society and Legal Adaptation: Rethinking Rights, Governance and Social Justice
Khadije Karimi Sfahani, Mojahed Amiri

Issuing Identity Documents for Children Born from Illegitimate Relationships and its Effects on Iranian Law
Marzieh Kazemi, Mostafa Kafi

Diminished Liability in the Criminal Systems of Iran and England
Iraj Morvati, Nafiseh Araghi, Mandana Janghali

Monitoring the Media with a Jurisprudential and Legal Approach
Narges Abolmasoomi

Cryptocurrency-Related Crimes; from Facilitating the Commission of Crimes to Prevention
Mahbobeh Talebi Rostami

The Importance of Contract Interpretation in Iranian Civil Law
Nazanin Bahrami, Mahnaz Sajjadian, Hamid Reza Konari Zhadeh

Investigating the Effect of Security and Populist Oriented Criminal Policy Intervention on the Formation of Modern New
Classical Criminological Dialog
Masoud Akbari

A Comparative Study of Commercial Property in Iranian and French Law
Saeed Johar

Deterrence of Exile and Banishment in the Period of Communication
Mahsa Mahmoudi

Manifestations of the Moral Rights of Prisoners in Domestic and International Documents
Amin Reza Bahar Falamarzi

Convergent Application of Civil Procedure Principles in Criminal Proceedings Using with Referral Mechanism
Ali Asghar Asgari

A Review of Crimes Against Government Lands (Case Study)
Vahid Kioumars

Space Debris in International Law: Regulatory Challenges and Legal Solutions
Mahdi Gharedaqi

Insult to Sacred Places in Iranian Criminal Law, Imamiyya Jurisprudence and Sunni Jurisprudence
Davoud Salmanpour, Yaghoob Taheri, Hosein Zarei

International Responsibility of States in Combating Doping: Legal Analysis and Implementation Challenges
Sepideh Ahmadian Fard

Criminal Policy Against Military Crimes in the Criminal Law of Iran and the United States
Amirhasan Abolhasani, Hamed Zarinjuj Alvar, Mohammadali Jahani

Rules Governing the Unorganized Monetary Financial Market in the Iranian Legal System
Ayoub Rahimi

Maintaining Social Capital in the Process of Combating Smuggling (Delaware Port Case Study)
Hossein Akbarpa

Conditions for the Exclusion of Personal Criminal Liability Based on the Statute of the International Criminal Court
Mohammadreza Afrasiabi

The Impact of Domestic Laws and Commitment to International Treaties in Combating Banking Corruption
Sayyed Bahman Akbari

Various Means of Enforcement in International Law
Mahdi Rezaei Asrami

Green Victimology and Non-Human Victims
Amin Hajivand, Amirhossein Khorashadi Zadeh, Mohammad Javad Mirzayi